

بررسی تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش

(پایه‌های دوره راهنمایی در مناطق شهری و روستایی استان‌های کشور)

محمد آتشک*

چکیده

هدف تحقیق توصیفی حاضر بررسی تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش دوره راهنمایی تحصیلی مناطق شهری و روستایی استان‌های کشور بوده است، به این منظور تعداد جمعیت واجب‌التعلیم (از سرشماری) و جمعیت دانش‌آموزی (از آمارنامه وزارت آموزش و پرورش) سال ۱۳۸۵ پایه‌های دوره راهنمایی تحصیلی استخراج و نرخ ثبت نام ناخالص دختران و پسران هریک از پایه‌های دوره مذکور محاسبه و از تقسیم نرخ ثبت نام ناخالص دختران بر پسران، میزان شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش هر پایه محاسبه گردید؛ عمده‌ترین نتایج حاکی از آن است که در پایه اول در شهرها ۷۴٪ به ضرر دختران، ۷٪ به ضرر پسران و در ۱۹٪ تساوی دیده می‌شود و در روستاها ۱۰٪ به ضرر دختران و در مجموع شهر و روستا ۹۷٪ به ضرر دختران و ۳٪ تساوی وجود داشته است. در پایه دوم در شهرها ۱۷٪ به ضرر دختران، ۱۴٪ به ضرر پسران و در ۶۹٪ تساوی دیده می‌شود و در روستاها ۹۰٪ به ضرر دختران و ۱۰٪ تساوی دیده می‌شود و در مجموع شهر و روستا ۷۷٪ به ضرر دختران و ۲۳٪ تساوی وجود داشته است. در پایه سوم در شهرها ۳۰٪ به ضرر دختران، ۷٪ به ضرر پسران و در ۶۳٪ تساوی دیده می‌شود و در روستاها ۹۰٪ به ضرر دختران، ۷٪ به ضرر پسران و ۳٪ تساوی دیده می‌شود و در مجموع شهر و روستا ۷۸٪ به ضرر دختران و ۳٪ به ضرر پسران و ۱۹٪ تساوی وجود داشته است. در کل دوره راهنمایی در شهرها ۳۹٪ به ضرر دختران، ۳٪ به ضرر پسران و در ۵۸٪ تساوی دیده می‌شود و در روستاها ۹۳٪ به ضرر دختران و ۷٪ تساوی دیده می‌شود و در مجموع شهر و روستا ۸۴٪ به ضرر دختران و ۱۶٪ تساوی وجود داشته است.

کلید واژه

دسترسی به آموزش، جنسیت، شهر، روستا، دوره راهنمایی، استان‌های کشور، تساوی جنسیتی.

- تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۸؛ تاریخ تصویب نهایی: ۸۸/۴/۲۱

* عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب و دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی، matashak@yahoo.com

۱) مقدمه

آموزش، یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد توانمندی‌های لازم برای ورود و نقش‌پذیری فعال زنان در فرآیند توسعه است (تودارو، ۱۳۷۱: ص ۴۷۳). با توجه به اثرات مستقیم آموزش بر توانمندسازی زنان و آثار جانبی آن بر خانواده و جامعه، بررسی شاخص دسترسی به آموزش، اهمیت دو چندان می‌یابد. از همین روست که در برنامه‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی، توجه به امر آموزش و ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی برای تمام زنان و مردان از جمله سیاست‌های پایه‌ای بوده و اهداف مشخصی برای آن تنظیم شده است.

مطابق اصل سیم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف شده است تا وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت (بدون توجه به جنسیت) تا پایان دوره متوسطه تحصیلی فراهم کند؛ اما نگاهی گذرا به چهار قانون برنامه توسعه پس از انقلاب اسلامی حاکی از آن است که: در قانون برنامه‌های اول (رک. سند برنامه اول توسعه کشور، ۱۳۶۷) و دوم (رک. سند برنامه دوم توسعه کشور، ۱۳۷۳) توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، ذیل مواد و تبصره‌های بخش آموزش و پرورش، مواردی که به صراحت بر موضوع دسترسی برابر به آموزش تأکید داشته باشد و راهبردهای مشخص برای آن ارایه نماید، وجود نداشته است. در بررسی مشکلات و تنگناهای نظام آموزش کشور در برنامه سوم، در بخش مسایل آموزشی مرتبط با جنسیت به مواردی همچون محدودیت مشارکت زنان در سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری نظام آموزشی کشور، عدم تناسب جنسیت معلمان با دانش‌آموزان، کمبود مربیان آموزش فنی و حرفه‌ای به ویژه زنان، بی‌توجهی به نقش مطلوب دختران در محتوای برخی از کتب درسی، تأکید گردیده بود و در این راستا،

راهکارهایی چون بازنگری در برنامه‌های درسی متناسب با سن و جنس، اصلاح و متناسب‌سازی فضاهای آموزشی با توجه به شرایط جغرافیایی، جنسیت در دوره‌های تحصیلی، ایجاد شبانه‌روزی‌ها برای دوره راهنمایی با تأکید بر آموزش دختران، ایجاد مرکز تربیت مربی و مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای ویژه زنان و تأمین امکانات آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از طریق استفاده از مراکز شبانه‌روزی خاص دختران و پسران مورد توجه قرار گرفت (رک. سند برنامه سوم توسعه کشور، ۱۳۷۹). با توجه به نابرابری‌های موجود در دسترسی به آموزش، در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در بندهای «الف»، «ب»، «م»، «س» ماده ۵۲ (رک. سند برنامه چهارم توسعه کشور، ۱۳۸۴)، سند ملی برنامه آموزش برای همه (رک. وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۳) و هم چنین آرمان‌ها و اهداف توسعه هزاره^۱ به گسترش فرصت‌های دسترسی به آموزش به ویژه برای دختران توجه ویژه‌ای شده است.

علی‌رغم چنین روندی در برنامه‌های توسعه کشور بررسی یافته‌های پژوهش‌های صورت گرفته در ایران حاکی از آن است که دختران نسبت به پسران دسترسی کمتری به آموزش دارند (رک. آتشک، ۱۳۸۶؛ مرادی، ۱۳۸۳؛ گرائی‌نژاد، ۱۳۸۲؛ اسماعیل سرخ، ۱۳۸۰؛ داش‌خانه، ۱۳۸۰؛ واحدی، ۱۳۷۷؛ نادری نرم، ۱۳۷۶؛ کلیدری، ۱۳۷۴؛ حسین‌زاده، ۱۳۷۲؛ خدابخش، ۱۳۷۱؛ عزیززاده، ۱۳۶۵)، دختران در مناطق کمتر توسعه یافته‌تر (روستاها و جنوب شهرها) نسبت به مناطق توسعه یافته‌تر (شهرها و شمال شهرها) دسترسی کمتری به آموزش دارند (رک. اسماعیل سرخ، ۱۳۸۶؛ آتشک، ۱۳۸۵؛ نبی‌زاده سرابندی، ۱۳۸۴؛ داش‌خانه، ۱۳۸۰؛ واحدی، ۱۳۷۷؛ نادری نرم، ۱۳۷۶؛ حسین‌زاده، ۱۳۷۲)، هر چقدر به سمت پایه‌های تحصیلی بالاتر می‌رویم نابرابری بین دختران و پسران در دسترسی

1 - Millennium Development Goals(MDG)

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

به آموزش بیشتر می‌شود (رک. آبیلی، ۱۳۸۳؛ عزیززاده، ۱۳۶۵)، نکته قابل توجه این است که علی‌رغم دسترسی کمتر دختران به آموزش در تمامی مقاطع تحصیلی، آنها عملکرد تحصیلی بهتر و با ماندگاری بیشتری در نظام آموزشی دارند (رک. آتشک، ۱۳۸۶؛ عزیززاده، ۱۳۶۵).

۲) ملاحظات نظری

مطابق نتایج مطالعات مختلف عوامل مؤثر بر دسترسی کمتر دختران به آموزش نسبت به پسران را می‌توان در ۴ دسته عوامل خانوادگی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی به شرح زیر طبقه‌بندی نمود که در این مجال به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱ - ۲) عوامل خانوادگی

۱ - ۱ - ۲) اندازه و ترکیب خانواده

به هر میزان اندازه خانواده کوچکتر باشد، شانس دختران برای رفتن و ماندن در مدرسه بیشتر است، چرا که خانواده‌های گسترده و بزرگ به گزینش فرزند برای دسترسی به آموزش می‌پردازند، یکی از مهم‌ترین ملاک‌های این گزینش، نرخ بازده سرمایه‌گذاری در آموزش فرزندان است، به بیان دیگر خانواده‌ها با تحلیل‌های هزینه - فایده به بررسی این امر می‌پردازند که با توجه به توانایی‌های فردی، سطح و نوع آموزش‌ها، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم آموزش و امکان اشتغال پس از آموزش و سایر موارد، صلاح است کدام یک از فرزندان به مدرسه فرستاده شوند؟ که در بیشتر موارد، خانواده‌ها فرزندان پسرشان را گزینش می‌کنند، به دلیل اینکه در بیشتر اوقات (به خصوص در روستاها) پسران پس از ازدواج در خانواده باقی

بررسی تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش

می‌مانند و آموزش بالاتر آنها درآمد بیشتری نصیب خود و والدینشان می‌نماید، در حالی که علاوه بر اینکه هزینه فرصت تحصیلی دختران به نسبت پسران بالاتر است، از سوی دیگر چون دختران پس از ازدواج، خانه پدری را ترک می‌نمایند، سرمایه‌گذاری در آموزش آنها به منفعت خانواده شوهرشان خواهد بود. نکته مهم دیگر، ترکیب خانواده است، نتایج تحقیقات حاکی از آن است که ثبت‌نام دختران در مدرسه تحت تأثیر وجود افراد کوچک و مسن و هم چنین تعداد دختران موجود در ترکیب افراد خانواده است.

۲- ۱- ۲) درآمد خانواده

خانواده‌هایی که درآمد مناسبی دارند، امکان بیشتری برای پرداخت هزینه‌های آموزشی دخترانشان دارند، نکته مهم دیگر این است که از آن جایی که هزینه‌های مستقیم آموزش دختران، بیش از پسران است (چراکه پسران در طی دوران تحصیل می‌توانند با کارهای پاره‌وقت هزینه خود را تأمین نمایند، در حالی که این امر برای دختران به آسانی مقدور نیست) امکان دسترسی و ادامه تحصیل دختران در شرایط برابر، کمتر از پسران است.

۳- ۱- ۳) نیاز به نیروی کار دختر

از جمله عوامل مهم در به کارگیری دختران برای کار توسط والدین، می‌توان به توان درآمدزایی آنها برای خانواده و هم‌چنین بازده سرمایه‌گذاری پایین تحصیلات در روستاها اشاره نمود. منطقه جغرافیایی نیز بر کار کودکان مؤثر است، به گونه‌ای که تقاضا برای کار دختران در مناطق روستایی، بیش از مناطق شهری است، به گونه‌ای که دختران روستایی شش بار بیشتر از دختران شهری احتمال کار کردن را دارند.

۴ - ۱ - ۲) تحصیلات والدین

نتایج تحقیقات حاکی از تفاوت میان اثر تحصیلات پدران و مادران بر آموزش دختران است. سطح تحصیلات پدر بیشتر بر سطح درآمد خانواده و به تبع آن طبقه اجتماعی - اقتصادی خانواده مؤثر بوده و از این طریق بر آموزش دختران مؤثر است، اما سطح تحصیلات مادر به گونه مستقیم بر دسترسی و موفقیت تحصیلی دختران مؤثر است: مطالعات بردسال در برزیل حاکی از آن است که آموزش مادر به طور کلی تأثیر قوی تری نسبت به آموزش پدر در میانگین طول فارغ التحصیلی فرزندان دارد (cf. Birdsal, 1985). تحصیلات مادر، او را در انجام تکالیف مدرسه اش یاری رسانده و از این طریق بر موفقیت تحصیلی فرزندش می افزاید، این مسأله به ویژه هنگامی بیشتر به چشم می آید که مهاجرت و اشتغال مردان، بیش از اندازه باشد و زنان عملاً عهده دار تمامی امور خانواده باشند.

۵ - ۱ - ۲) نگرش والدین به آموزش دختران

کینگ و دیگران در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که اگر خانواده ها با دختران همانند پسران رفتار کنند، دستیابی تحصیلی آنها در میان شهرنشینان طبقه متوسط تا ۶۵٪ در شهرنشینان طبقه پایین تا ۱۲۹٪ و در میان روستائیان تا ۲۲۴٪ افزایش می یابد (cf. King, & others, 1986).

انتظار والدین از ازدواج دختران و آثار تحصیلات بر آن با توجه به گروه های درآمدی مختلف متفاوت است: خانواده طبقه متوسط دانش آموختگی دختران را زمینه ساز ازدواج بهتر آنها می داند، زیرا تحصیلات آنها را در اداره موفق تر خانه توانا می سازد، هم چنین امکان ازدواج دختر با خانواده توانگرتر منجر به بهبود وضعیت خانوادگی پدری اش می شود؛ در خانواده های طبقه پایین دانش آموختگی

بررسی تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش

دختران پرهزینه تلقی می‌شود، زیرا ازدواج دخترى با تحصیلات بالاتر با مرد دارای تحصیلات بالا، منجر به توقع آوردن جهیزیه بیشتر می‌شود که خود بار اضافی مالی بر دوش خانواده است و در خانواده‌های فقیر روستایی به کار عروسان خود در خانه نیاز دارند، بنابراین دختران تحصیل کرده روستایی برای انجام امور خانه مناسب نیستند و این امر امکان ازدواج آنها را محدود می‌سازد، از این رو این خانواده‌ها رغبتی برای فرستادن دختران خود به مدرسه ندارند.

۲- ۲) عوامل آموزشی

۱- ۲- ۲) قوانین ناظر بر آموزش

قوانین آموزش از جمله اجباری یا غیراجباری بودن دوره‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر دسترسی و ادامه تحصیل افراد در آموزش است. در ایران نیز در سال ۱۳۸۴ در بند "ب" ماده ۵۲ قانون برنامه چهارم توسعه کشور، برای اولین بار بر اجباری کردن آموزش تا پایان دوره راهنمایی تأکید گردید (رک. سند برنامه چهارم توسعه کشور، ۱۳۸۴).

۲- ۲- ۲) وضعیت آموزشی در مقاطع پایین‌تر

این امر از دو جنبه در نرخ ثبت نام و عملکرد تحصیلی دختران قابل بررسی است: نرخ ثبت نام در یک دوره، متأثر از نرخ ثبت نام در مقطع پیشین است، از این رو چنانچه دختران در یک دوره دارای نرخ ثبت نام پایینی باشند، این امر خود را در مقاطع بالاتر نیز منعکس می‌سازد. عملکرد تحصیلی (نرخ‌های ارتقاء، تکرار پایه و ترک تحصیل) افراد در دسترسی و ادامه تحصیل آنها در مقاطع بالاتر مؤثر است، با اینکه دختران دسترسی کمی به آموزش دارند، پس از ورود به نظام آموزش، عملکرد تحصیلی بالاتری نسبت به پسران دارند (رک. آتشک، ۱۳۸۶؛ عزیززاده، ۱۳۶۵).

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

۳-۲) عوامل اجتماعی

۱- ۳-۲) محل سکونت

دختران شهری به جهت دسترسی آسان‌تر به منابع انسانی، مالی و کالبدی مطلوب‌تر در نظام آموزشی، هزینه فرصت از دست رفته پایین‌تر، طبقه اجتماعی و اقتصادی بالاتر خانواده، نگرش خوشبینانه‌تر والدین به تحصیل آنها و فرصت شغلی بیشتر به نسبت دختران روستایی، دسترسی و ادامه تحصیلی بیشتری در آموزش خواهند داشت.

۲- ۳-۲) فاصله محل سکونت تا مدرسه

فاصله خانه تا مدرسه هم در تمایل والدین به ادامه تحصیل و هم در امکان دسترسی فرزند به مدرسه اثر دارد، فاصله زیاد به معنای اضافه شدن هزینه ایاب و ذهاب، خوابگاه و اقامت است که چون در اکثر موارد (به ویژه در روستا) پرداخت این هزینه‌ها برای خانواده‌ها مقدور نیست، این امر منجر به توقف تحصیل، به ویژه برای دختران می‌شود، نتایج تحقیقات حاکی از آن است که والدین به جهت مخاطره‌های اخلاقی و جسمی، تمایلی به فرستان دخترانشان به مدارس دور از محل سکونتشان ندارند (cf. Allman, 1987, 1979)، احمد و حسن (cf. Ahmed, hasan, 1984) بعد دیگری از مسأله را مطرح می‌نمایند و معتقد هستند که علاوه بر طول مسیر، نوع مسیر (خاکی، رودخانه‌ای، کوهستانی) نیز در تصمیم والدین در فرستادن دختران به مدرسه مهم است.

۳- ۳-۲) ازدواج و زایمان در سن پایین

این امر به ویژه هنگامی تشدید می‌گردد که منع قانونی برای ثبت نام دختران

بررسی تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش

مزدوج در مدارس وجود داشته باشد. حتی اگر ازدواج مانعی بر سر راه ادامه تحصیل دختران نباشد، بارداری و زایمان در سنین پایین، نقطه پایانی بر تحصیل دختران است، اثر ثانوی ازدواج و بارداری در سن پایین این است که چون این مادران دارای تحصیلات پایینی هستند، ارزش آموزش فرزندانشان را به خوبی درک نمی‌نمایند و این امر منجر به دسترسی کمتر فرزندان (به خصوص دخترانشان) به آموزش خواهد شد که از این فرآیند با عنوان بازتولید فقر جنسیتی در آموزش یاد می‌شود.

۴-۲) عوامل اقتصادی

۱- ۴-۲) سهم بودجه تخصیصی به آموزش

این امر را می‌توان از منظر بودجه هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تخصیصی به دو جنس مورد بررسی قرار داد. آمارها حاکی از وجود تبعیض به ضرر دختران در تخصیص بودجه هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای است.

۲- ۴-۲) درصد نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی

در مناطقی که کشاورزی به شیوه سنتی صورت می‌گیرد، دختران نیروی کار مناسبی به شمار می‌آیند که این امر در میزان ترک تحصیل دختران و عدم دسترسی دختران به آموزش مؤثر است.

۳- ۴-۲) نابرابری‌های جنسیتی بازارکار

از آن جایی که بازار کار جنسیتی است، میانگین دریافت‌های زنان کمتر از مردان است که این عوامل بر انتخاب اولیاء در فرستادن دختران به مدارس، اشتیاق دختران به ادامه تحصیل و سرمایه‌گذاری کشور برای آموزش دختران اثر می‌گذارد (رک. کینگ، ۱۳۷۶؛ نوروزی، ۱۳۸۳).

۳) سؤال تحقیق

تساوی جنسیتی در دسترسی به پایه‌های اول، دوم و سوم دوره راهنمایی تحصیلی استان‌های کشور (به تفکیک شهر، روستا و کل) در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ به چه میزان بوده است؟

۴) روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، در زمره تحقیقات کاربردی و از نظر نوع تحقیق توصیفی است. جامعه آماری این تحقیق عبارتند از: تعداد جمعیت واجب‌التعلیم (۱۳ - ۱۱ ساله‌ها) (رک. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) و تعداد دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی استان‌های کشور (رک. وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۵) در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ (جدول ۲). روش گردآوری داده‌ها از طریق تحلیل ثانویه داده‌ها بوده که برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی استفاده شده است.

به منظور پایش شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش^۱ در کشورهای جهان، مرکز آمارهای یونسکو^۲ (UIS، ۲۰۰۶) روشی برای محاسبه این شاخص ارائه کرده که بر مبنای آن: ابتدا باید نرخ ثبت نام ناخالص^۳ (تقسیم تعداد جمعیت دانش‌آموزی یک دوره بر تعداد جمعیت واجب‌التعلیم همان دوره) هر دو جنسیت را محاسبه نموده و سپس از تقسیم نرخ ثبت نام ناخالص دختران بر پسران، میزان شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش هر دوره بدست می‌آید. اگر عدد حاصل کمتر از ۰/۸ و بیشتر از ۱/۲۵ باشد دور از تحقق هدف برنامه، بین ۰/۸ تا

1 - Gender Parity Index (GPI) in Access to Education

2 - UNESCO Institute for Statistics (UIS)

3 - Gross Enrolment Ratio

۰/۹۴ و ۱/۰۶ تا ۱/۲۵ در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف و چنانچه بین ۰/۶۹ تا ۰/۹۵ و ۱/۰۴ تا ۱/۰۵ فرار گرفته باشد، نزدیک به تحقق هدف خواهند بود. تساوی جنسیتی در این شاخص نیز در صورتی محقق گردیده است که رقم شاخص، بین ۰/۹۷ تا ۱/۰۳ باشد.

(۵) جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق تعداد جمعیت واجب‌التعلیم (رک. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) و جمعیت دانش‌آموزی (رک. وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۵) دوره راهنمایی تحصیلی در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ می‌باشد. همان‌طور که در جدول (۱) مشخص است با بالارفتن پایه‌ها، تعداد جمعیت واجب‌التعلیم هم در شهر و روستا و هم در میان دختران و پسران افزایش می‌یابد و در بین مناطق و جنس‌ها، سهم عمده را شهرها و پسران دارند. اگرچه هم‌چنان پسران و شهرها، بخش عمده‌ای از جمعیت دانش‌آموزی را به خود اختصاص داده‌اند، اما در بیشتر مناطق و جنس‌ها، پایه اول و سوم دوره راهنمایی بیشترین سهم را در میان پایه‌ها دارند که این امر ناشی از نرخ تکرار پایه بالا در پایه‌های مرزی (اول و سوم) است.

جدول شماره (۱): تعداد جمعیت واجب‌التعلیم (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) و دانش‌آموزی (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۵) دوره راهنمایی تحصیلی در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵

سن	کل			شهری			روستایی		
	جمع	پسر	دختر	جمع	پسر	دختر	جمع	پسر	دختر
جمعیت واجب‌التعلیم									
۱۱	۱۲۱۷۹۰۶	۶۲۴۴۲	۵۹۳۴۶۴	۷۷۷۳۳	۳۹۷۹۷۰	۳۷۹۳۶۳	۴۳۸۴۱۶	۲۲۵۳۷۴	۲۱۳۰۴۲
۱۲	۱۳۳۹۶۱۷	۶۸۸۲۱۷	۶۵۱۴۰۰	۸۴۶۲۳۸	۴۳۳۶۶۱	۴۱۲۵۷۷	۴۹۰۷۶۶	۲۵۳۲۴۷	۲۳۷۴۹۹
۱۳	۱۴۳۲۰۶۲	۷۳۵۰۹۹	۶۹۶۹۶۳	۹۰۹۶۲۹	۴۶۵۷۱۷	۴۴۳۹۱۲	۵۲۰۰۶۷	۲۶۸۲۰۴	۲۵۱۸۶۳
کل	۳۹۸۹۵۵۱	۲۰۴۷۷۵۸	۱۹۴۱۸۲۷	۲۵۳۳۲۰۰	۱۲۹۷۳۴۸	۱۲۳۵۸۵۲	۱۴۴۹۲۲۹	۷۴۶۸۲۵	۷۰۲۴۰۴
جمعیت دانش‌آموزی									
۱۱	۱۳۳۴۴۱۶	۷۲۰۵۵۹	۶۱۳۸۵۷	۹۱۰۵۶۶	۴۷۹۶۲۸	۴۳۰۹۳۸	۴۳۳۸۵۰	۲۴۰۹۳۱	۱۸۲۹۱۹
۱۲	۱۲۸۶۹۴۷	۶۸۰۱۵۸	۶۰۶۷۸۹	۸۹۳۳۹۱	۴۶۰۶۶۲	۴۳۲۲۹۴	۳۹۳۵۵۶	۲۱۹۴۹۶	۱۷۴۰۶۰
۱۳	۱۳۱۷۲۹۸	۷۰۰۱۷۷	۶۱۷۱۲۱	۹۲۳۷۱۳	۴۷۸۳۱۲	۴۴۵۴۰۱	۳۹۳۵۸۵	۲۲۱۸۶۵	۱۷۱۷۲۰
کل	۳۹۳۸۶۶۱	۲۱۰۰۸۹۴	۱۸۳۷۷۶۷	۲۷۲۷۶۷۰	۱۴۱۸۶۰۲	۱۳۰۹۰۶۸	۱۲۱۰۹۹۱	۶۸۲۲۹۲	۵۲۸۶۹۹

۶) یافته‌های تحقیق

۱- ۶) نرخ ثبت‌نام ناخالص دوره راهنمایی تحصیلی

این شاخص از تقسیم تعداد جمعیت دانش‌آموزی یک دوره تحصیلی معین بر تعداد جمعیت واجب‌التعلیم همان دوره تحصیلی (در دوره راهنمایی تحصیلی جمعیت ۱۱ - ۱۳ ساله) در سال تحصیلی معینی به دست می‌آید. به دلیل اینکه در صورت کسر، تعداد جمعیت دانش‌آموزی فارغ از سن آنها منظور شده، ممکن است این شاخص بیش از ۱ یا ۱۰۰٪ شود که این امر حاکی از وجود تکرار پایه و دسترسی دیر هنگام به پایه و دوره تحصیلی می‌باشد (رک. گروه مشاوران یونسکو، ۱۳۸۶).

۱ - تعداد ۷۱۵۶ نفر جمعیت غیر ساکن (۳۵۸۵ نفر مرد و ۳۵۷۱ نفر زن) در سرجمع منظور شده است.

۱ - ۱ - ۶) نرخ ثبت نام ناخالص در پایه اول دوره راهنمایی

در جمعیت پسر شهرهای استان‌های کشور، استان آذربایجان غربی با ۱/۴۱ و استان خراسان جنوبی با ۱/۰۶ (میانگین کشوری برابر با ۱/۲۱) و در جمعیت دختر شهرهای استان‌های کشور، استان گیلان با ۱/۳۳ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۸۹ (میانگین کشوری برابر با ۱/۱۴) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند.

در جمعیت پسر روستاهای استان‌های کشور، استان تهران با ۱/۵۰ و استان قم با ۰/۸۳ (میانگین کشوری برابر با ۱/۰۷) و در جمعیت دختر روستاهای استان‌های کشور، استان تهران با ۱/۳۷ و استان آذربایجان غربی با ۰/۵۴ (میانگین کشوری برابر با ۰/۸۶) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند. در جمعیت پسر کل (شهری و روستایی) استان‌های کشور، استان کهگیلویه و بویراحمد با ۱/۲۷ و استان سیستان و بلوچستان با ۱ (میانگین کشوری برابر با ۱/۱۵) و در جمعیت دختر کل (شهری و روستایی) استان‌های کشور، استان کهگیلویه و بویراحمد با ۱/۱۹ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۷۶ (میانگین کشوری برابر با ۱/۰۳) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند.

۲ - ۱ - ۶) نرخ ثبت نام ناخالص در پایه دوم دوره راهنمایی

در جمعیت پسر شهرهای استان‌های کشور، استان گیلان با ۱/۲۹ و سیستان و بلوچستان با ۰/۸۳ (میانگین کشوری برابر با ۱/۰۶) و در جمعیت دختر شهرهای استان‌های کشور، استان گیلان با ۱/۲۸ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۷۳ (میانگین کشوری برابر با ۱/۰۵) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند.

در جمعیت پسر روستاهای استان‌های کشور، استان تهران با ۱/۱۸ و استان قم با ۰/۵۳ (میانگین کشوری برابر با ۰/۸۷) و در جمعیت دختر روستاهای استان‌های کشور، استان تهران با ۱/۱۵ و استان آذربایجان غربی با ۰/۴۲ (میانگین کشوری برابر با ۰/۷۳) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند. در جمعیت پسر کل (شهری و روستایی) استان‌های کشور، استان کهگیلویه و بویراحمد با ۱/۱۱ و سیستان و بلوچستان با ۰/۷۲ (میانگین کشوری برابر با ۰/۹۹) و در جمعیت دختر کل (شهری و روستایی) استان‌های کشور، استان چهارمحال و بختیاری با ۱/۰۳ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۵۹ (میانگین کشوری برابر با ۰/۹۳) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند.

۳- ۱- ۶) نرخ ثبت نام ناخالص در پایه سوم دوره راهنمایی

در جمعیت پسر شهرهای استان‌های کشور، استان گیلان با ۱/۲۳ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۸۰ (میانگین کشوری برابر با ۱/۰۳) و در جمعیت دختر شهرهای استان‌های کشور، استان گیلان با ۱/۲۴ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۶۸ (میانگین کشوری برابر با ۱) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند.

در جمعیت پسر روستاهای استان‌های کشور، استان تهران با ۱/۱۵ و استان قم با ۰/۵۷ (میانگین کشوری برابر با ۰/۸۳) و در جمعیت دختر روستاهای استان‌های کشور، استان تهران با ۱/۱۵ و استان آذربایجان غربی با ۰/۳۷ (میانگین کشوری برابر با ۰/۶۸) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند. در جمعیت پسر کل (شهری و روستایی) استان‌های کشور، استان کهگیلویه و بویراحمد با ۱/۰۸ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۷۰ (میانگین کشوری برابر با

۰/۹۵) و در جمعیت دختر کل (شهری و روستایی) استان‌های کشور، استان ایلام با ۱/۰۳ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۵۵ (میانگین کشوری برابر با ۰/۸۹) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند.

۲- ۶) نرخ ثبت نام ناخالص در کل دوره راهنمایی

در جمعیت پسر کل شهرهای استان‌های کشور، استان گیلان با ۱/۲۸ و استان خراسان جنوبی با ۰/۹۱ (میانگین کشوری برابر با ۱/۰۹) و در جمعیت دختر شهرهای استان‌های کشور، استان گیلان با ۱/۲۸ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۷۶ (میانگین کشوری برابر با ۱/۰۶) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند.

در جمعیت پسر روستاهای استان‌های کشور، استان تهران با ۱/۲۶ و استان قم با ۰/۶۳ (میانگین کشوری برابر با ۰/۹۱) و در جمعیت دختر روستاهای استان‌های کشور، استان تهران با ۱/۲۲ و استان آذربایجان غربی با ۰/۴۴ (میانگین کشوری برابر با ۰/۷۵) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند.

در جمعیت پسر کل (شهری و روستایی) استان‌های کشور، استان کهگیلویه و بویراحمد با ۱/۱۵ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۸۰ (میانگین کشوری برابر با ۱/۰۳) و در جمعیت دختر کل (شهری و روستایی) استان‌های کشور، استان بوشهر با ۱/۰۶ و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۶۳ (میانگین کشوری برابر با ۰/۹۵) دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از نرخ ثبت نام ناخالص بوده‌اند.

نتایج حاکی از آن است که در تمامی پایه‌ها، پسران شهری دارای بهترین وضعیت و در تمامی پایه‌ها دختران روستایی دارای نامطلوب‌ترین وضعیت از نظر نرخ ثبت نام ناخالص در دوره راهنمایی بوده‌اند (جدول ۲). با بالا رفتن پایه‌ها نرخ

مذکور هم در دختران و پسران و هم در مناطق شهری و روستایی کاهش می‌یابد که این امر حاکی از قدرت (توان) پایین نظام آموزشی در نگهداشت دانش‌آموزان در این دوره است (این میزان را با نرخ ماندگاری می‌سنجند)^۱.

جدول شماره (۲): تعداد استان‌های دارای نرخ ثبت‌نام ناخالص کمتر از ۱ یا ۱۰۰ درصد در دوره راهنمایی تحصیلی

عنوان	کل			شهر			روستا		
	جمع	پسر	دختر	جمع	پسر	دختر	جمع	پسر	دختر
پایه اول	۲	۰	۵	۰	۰	۱	۱۷	۱۰	۲۵
پایه دوم	۱۵	۹	۲۱	۴	۴	۴	۲۸	۲۷	۲۹
پایه سوم	۲۵	۱۹	۲۸	۷	۸	۱۰	۲۸	۲۸	۲۹
کل	۱۲	۶	۲۰	۴	۲	۴	۲۸	۲۳	۲۹

همان‌طور که در جدول (۳) مشخص است استان‌هایی همانند آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان و کردستان دارای بالاترین و استان‌های مازندران، قم و اردبیل دارای پایین‌ترین تفاوت میان بیشترین و کمترین نرخ ثبت‌نام ناخالص میان دختران و پسران در شهرها و روستاهای استان‌های کشور بوده‌اند.

۱ - برای مطالعات تفصیلی‌تر در خصوص چگونگی محاسبه این شاخص به آتشک، ۱۳۸۶ رجوع شود.

جدول شماره (۳): درصد تفاوت میان نرخ ثبت نام ناخالص پسران و دختران در دوره راهنمایی تحصیلی^۱

عنوان	تفاوت	کل	شهر	روستا
پایه اول	بیشترین	آذربایجان غربی ۲۷	سیستان و بلوچستان ۲۴	آذربایجان غربی ۳۹
	کمترین	مازندران ۴	همدان - ۵	مازندران ۳
	تفاوت	۲۳	۲۹	۳۶
پایه دوم	بیشترین	آذربایجان غربی ۱۷	سیستان و بلوچستان ۱۱	کردستان ۳۲
	کمترین	یزد - ۱	اردبیل - ۱۴	مازندران ۱
	تفاوت	۱۸	۲۵	۳۱
پایه سوم	بیشترین	کرمانشاه ۱۷	سیستان و بلوچستان ۱۳	کردستان ۳۰
	کمترین	قم - ۳	قم - ۴	اصفهان - ۴
	تفاوت	۲۰	۱۷	۳۴
کل	بیشترین	آذربایجان غربی ۲۰	سیستان و بلوچستان ۱۶	کردستان ۳۲
	کمترین	مازندران ۰	اردبیل - ۷	مازندران ۰
	تفاوت	۲۰	۲۳	۳۲

۳-۶) تساوی جنسیتی در دسترسی به پایه اول دوره راهنمایی تحصیلی

استان‌های کشور (شهر، روستا و کل) در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵

در شهرهای استان‌های کشور، در ۶ استان برای این پایه، تساوی، در ۲ استان اردبیل و همدان، عدم تساوی به ضرر پسران و در ۲۳ استان، عدم تساوی به ضرر دختران (۶۷٪ بیشتر از پسران) در دسترسی به آموزش را شاهد هستیم. میانگین کشوری برابر با ۰/۹۴ (متوسط به ضرر دختران) می‌باشد که استان‌های اردبیل و

۱ - تفاوت مثبت به معنای بیشتر بودن نرخ ثبت نام ناخالص پسران از دختران و تفاوت منفی به معنای بیشتر بودن نرخ ثبت نام ناخالص دختران از پسران می‌باشد.

سیستان و بلوچستان به ترتیب با ۱/۰۴ و ۰/۷۹ دارای بالاترین و پایین‌ترین میزان برخورداری از شاخص فوق‌بوده‌اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۲۵ بوده است. در روستاهای استان‌های کشور در هیچ استانی تساوی و عدم تساوی به ضرر پسران وجود نداشته است و ۱۰۰٪ عدم تساوی‌ها به ضرر دختران بوده است. میانگین کشوری برابر با ۰/۸ (متوسط به ضرر دختران) می‌باشد که استان‌های مازندران با ۰/۹۶ و آذربایجان غربی با ۰/۵۸ دارای بالاترین و پایین‌ترین میزان برخورداری از شاخص فوق‌بوده‌اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۳۸ بوده است. در کل (شهر و روستا) تنها در استان مازندران تساوی حاصل شده و در مابقی استان‌ها (۹۷٪) عدم تساوی‌ها به ضرر دختران وجود داشته که در ۲ استان آذربایجان غربی و سیستان و بلوچستان، دور، در ۲ استان گیلان و تهران، نزدیک و در ۲۶ استان در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف هستیم. میانگین کشوری برابر با ۰/۹ (متوسط به ضرر دختران) می‌باشد که استان‌های مازندران با ۰/۹۷ و سیستان و بلوچستان با ۰/۷۶ دارای بالاترین و پایین‌ترین میزان برخورداری از شاخص فوق‌بوده‌اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۲۱ بوده است (جدول ۴).

جدول شماره (۴): تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش پایه اول دوره راهنمایی
تحصیلی استان‌های کشور

عنوان	به ضرر دختران			تساوی	به ضرر پسران		
	دور	متوسط	نزدیک		دور	متوسط	نزدیک
پایه اول	تجربه	بلوچستان و سیستان	مرکزی، خراسان رضوی و شمالی، زنجان، کرمانشاه، آذربایجان شرقی و غربی، هرمزگان، گلستان، قم، سمنان	بوشهر، تهران، کهکیلویه و بویر احمد، کرمان، چهارمحال و بختیاری، فارس، قزوین، یزد، اصفهان	کردستان، ایلام، گیلان، لرستان، مازندران، خراسان - جنوبی	اردبیل، همدان	-
		روستا	قم، همدان، آذربایجان شرقی و غربی، زنجان، مرکزی، سیستان و بلوچستان، کرمانشاه، کردستان، خوزستان	تهران، اصفهان، کهکیلویه و بویر احمد، گیلان، بوشهر، کرمان، فارس، قزوین، لرستان، هرمزگان، ایلام، چهارمحال و بختیاری، یزد، خراسان جنوبی، شمالی و رضوی، اردبیل، گلستان	مازندران، سمنان	-	-
		کل	آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان	بوشهر، اصفهان، ایلام، کهکیلویه و بویر احمد، کرمان، اردبیل، یزد، همدان، لرستان، قزوین، فارس، خراسان جنوبی، رضوی و شمالی، سمنان، مرکزی، کردستان، چهارمحال و بختیاری، قم، خوزستان، آذربایجان شرقی، کرمانشاه، هرمزگان، زنجان، گلستان	گیلان، تهران	مازندران	-

۴-۶) تساوی جنسیتی در دسترسی به پایه دوم دوره راهنمایی تحصیلی استان‌های کشور (شهر، روستا و کل) در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵

در پایه دوم در ۲۲ استان تساوی رخ داده است (بالاترین میزان تساوی در میان پایه‌ها و مناطق دوره) که در ۴ استان عدم تساوی به ضرر پسران و در ۵ استان عدم تساوی به ضرر دختران در دسترسی به آموزش را شاهد هستیم. میانگین کشوری برابر با ۰/۹۹ (تساوی) می‌باشد که استان‌های اردبیل (با ۱/۱۵) و سیستان و بلوچستان (با ۰/۸۷) دارای بالاترین و پایین‌ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده‌اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۲۸ بوده است. در مناطق روستاهای استان‌های کشور تنها در استان‌های مازندران، اصفهان و تهران تساوی دیده می‌شود، نکته قابل توجه وجود ۱۰ استان در وضعیت دور از تحقق هدف و به ضرر دختران است که در هیچ یک از پایه‌ها و مقاطع، این میزان دوری از تحقق هدف دیده نمی‌شود. در هیچ یک از استان‌ها عدم تساوی به ضرر پسران وجود نداشته است و ۹۰٪ عدم تساوی‌ها به ضرر دختران بوده است. میانگین کشوری برابر با ۰/۸۵ (متوسط به ضرر دختران) می‌باشد که استان‌های مازندران با ۰/۹۹ و آذربایجان غربی با ۰/۶۲ دارای بالاترین و پایین‌ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده‌اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۳۷ بوده است، در کل (شهر و روستا) در ۷ استان تساوی حاصل شده و در مابقی استان‌ها (۰/۷۷٪) عدم تساوی‌ها به ضرر دختران وجود داشته که قسمت عمده عدم تساوی در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف می‌باشد. میانگین کشوری برابر با ۰/۹۴ (متوسط به ضرر دختران) می‌باشد که استان‌های یزد (با ۱/۰۱) و آذربایجان غربی (با ۰/۸۲) دارای بالاترین و پایین‌ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده‌اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۱۹ بوده است (جدول ۵).

جدول شماره (۵): تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش پایه دوم دوره راهنمایی تحصیلی استان‌های کشور

به ضرر پسران			به ضرر دختران			عنوان			
دور	متوسط	نزدیک	تساوی	نزدیک	متوسط	دور	شهر	روستا	کلی
-	خراسان جنوبی	همدان، یزد	لرستان، کرمان، مازندران، گلستان، تهران، گیلان، ایلام، کردستان، آذربایجان شرقی، چهارمحال و بختیاری، اصفهان، مرکزی، قزوین، کرمانشاه، بوشهر، فارس، سمنان، قم، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان رضوی و شمالی	زنجان، خوزستان، هرمزگان	آذربایجان غربی	-		گلستان، خراسان جنوبی و شمالی، خوزستان، آذربایجان شرقی، سیستان و بلوچستان، کرمانشاه	
-	-	-	مازندران، اصفهان، تهران	سمنان	گیلان، کرمان، چهارمحال و بختیاری، فارس، قزوین، یزد، بوشهر، خراسان رضوی، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، قم، ایلام، اردبیل، لرستان، زنجان، مرکزی			همدان، کردستان	
-	-	-	یزد، مازندران، اردبیل، تهران، اصفهان، کرمان، گیلان	چهارمحال و بختیاری، بوشهر، لرستان، فارس	سمنان، قم، خراسان رضوی و جنوبی، قزوین، گلستان، زنجان، خراسان شمالی، کردستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی و غربی				

۵-۶) تساوی جنسیتی در دسترسی به پایه سوم دوره راهنمایی تحصیلی استان‌های کشور (شهر، روستا و کل) در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵

در پایه سوم دوره راهنمایی تحصیلی شهرهای استان‌های کشور تنها در استان‌های قم و خراسان شمالی عدم تساوی به ضرر پسران و در ۹ استان به ضرر دختران مشاهده می‌شود و در ۲۰ استان (۶۳٪) تساوی حاصل شده است. میانگین کشوری برابر با ۰/۹۸ (تساوی) می‌باشد که استان‌های قم (با ۱/۰۴) و سیستان و بلوچستان (با ۰/۸۴) دارای بالاترین و پایین‌ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده‌اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۲۰ بوده است. در روستاهای استان‌های کشور تنها در استان تهران تساوی و در استان‌های اصفهان و مازندران عدم تساوی به ضرر پسران و در ۲۸ استان دیگر (۹۰٪) عدم تساوی به ضرر دختران دیده می‌شود که قسمت عمده آن (۵۵٪) در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف هستند. میانگین کشوری برابر با ۰/۸۲ (متوسط به ضرر دختران) می‌باشد که استان‌های اصفهان (با ۱/۰۴) و آذربایجان غربی (با ۰/۵۹) دارای بالاترین و پایین‌ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده‌اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۲۲ بوده است و در کل (شهر و روستا) در ۶ استان، تساوی، تنها در استان قم به ضرر پسران و در ۲۴ استان (۷۸٪) عدم تساوی‌ها به ضرر دختران وجود داشته که قسمت عمده عدم تساوی (۶۱٪) در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف می‌باشد، میانگین کشوری برابر با ۰/۹۳ (متوسط به ضرر دختران) می‌باشد که استان‌های قم (با ۱/۰۴) و سیستان و بلوچستان (با ۰/۷۸) دارای بالاترین و پایین‌ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده‌اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۲۶ بوده است (جدول ۶).

جدول شماره (۲): تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش پایه سوم دوره راهنمایی تحصیلی استان‌های کشور

عنوان		به ضرر دختران			تساوی	به ضرر پسران	
شهر	روستا	شهر	متوسط	نزدیک		دور	متوسط
سیستان و بلوچستان	زنجان، خراسان شمالی، اردبیل، همدان، مرکزی، آذربایجان شرقی، خوزستان، سیستان و بلوچستان	کرمانشاه، آذربایجان غربی و شرقی	سمنان، بوشهر، هرمزگان، خراسان رضوی و جنوبی، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، قزوین، گلستان	مرکزی، لرستان، آذربایجان شرقی، خوزستان	خراسان جنوبی، اردبیل، ایلام، بزرگ، مازندران، خراسان رضوی، کیلان، اصفهان، تهران، بوشهر، فارس، گلستان، کردستان، قزوین، زنجان، هرمزگان، چهارمحال و بختیاری، کرمان، همدان	اصفهان، مازندران	خراسان شمالی، قم
چک	سیستان و بلوچستان	کرمانشاه، آذربایجان غربی و شرقی	سمنان، قزوین، خراسان جنوبی و شمالی، هرمزگان، مرکزی، چهارمحال و بختیاری، گلستان، لرستان، زنجان، اردبیل، خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، همدان، کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی و شرقی	بوشهر، خراسان رضوی، کرمان، فارس	مازندران، اصفهان، تهران، بزرگ، ایلام، کیلان	قم	قم

۶-۶) تساوی جنسیتی در دسترسی به کل دوره راهنمایی تحصیلی استان‌های کشور (شهر، روستا و کل) در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵

در شهرهای استان‌های کشور تنها در استان اردبیل عدم تساوی به ضرر پسران و در ۱۲ استان (۳۹٪) به ضرر دختران و در ۱۸ استان (۵۸٪) تساوی مشاهده می‌شود. میانگین کشوری برابر با ۰/۹۷ (تساوی) می‌باشد که استان‌های اردبیل (با ۱/۰۷) و سیستان و بلوچستان (با ۰/۸۳) دارای بالاترین و پایین‌ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده‌اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۲۴ بوده است. در روستاهای استان‌های کشور در هیچ استانی عدم تساوی به ضرر پسران مشاهده نمی‌شود و تنها در ۲ استان مازندران و اصفهان تساوی و در ۲۹ استان (۹۳٪) عدم تساوی به ضرر دختران دیده می‌شود که قسمت عمده آن (۵۸٪) در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف هستند. میانگین کشوری برابر با ۰/۸۲ (متوسط به ضرر دختران) می‌باشد که استان‌های مازندران (با ۱) و آذربایجان غربی (با ۰/۶۰) دارای بالاترین و پایین‌ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده‌اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۴ بوده است و در کل دوره راهنمایی تحصیلی (شهر و روستا) همانند روستاها در هیچ استانی عدم تساوی به ضرر پسران مشاهده نمی‌شود و در ۵ استان (۱۶٪) تساوی و در ۲۶ استان (۸۴٪) عدم تساوی به ضرر دختران مشاهده می‌شود که قسمت عمده عدم تساوی در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف می‌باشد (۶۸٪). میانگین کشوری برابر با ۰/۹۲ (متوسط به ضرر دختران) می‌باشد که استان‌های مازندران (با ۱) و سیستان و بلوچستان (با ۰/۷۹) دارای بالاترین و پایین‌ترین میزان برخورداری از شاخص فوق بوده‌اند که تفاوت این دو استان برابر با ۰/۲۱ بوده است (جدول ۷).

جدول شماره (۷): تساوای جنسیتی در دسترسی به آموزش دوره راهنمایی تحصیلی استانهای کشور

عنوان	به ضرر دختران			کل دوره	
	دور	متوسط	نزدیک		
	دور	متوسط	نزدیک	تساوی	به ضرر پسران
	-	اردبیل	-	خراسان جنوبی، شمالی و رضوی، همدان، ایلام، کردستان، یزد، مازندران، گیلان، لرستان، تهران، اصفهان، کرمان، بوشهر، فارس، قزوین، چهارمحال و بختیاری	خراسان جنوبی، شمالی و رضوی، همدان، ایلام، کردستان، یزد، مازندران، گیلان، لرستان، تهران، اصفهان، کرمان، بوشهر، فارس، قزوین، چهارمحال و بختیاری
	-	-	-	مازندران، اصفهان	مازندران، تهران، اصفهان، یزد، گیلان
	-	-	-	سمنان، گیلان، کرمان، بوشهر، فارس، یزد، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، ایلام، قزوین، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی و جنوبی، قم، لرستان، اردبیل، گلستان	فارس، اردبیل، خراسان رضوی، جنوبی و شمالی، قزوین، سمنان، لرستان، مرکزی، همدان، گلستان، چهارمحال و بختیاری، تباری، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، آذربایجان شرقی و غربی، زنجان، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، خوزستان، کردستان، آذربایجان شرقی و غربی
	-	-	-	کرمانشاه، خوزستان، سمنان، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان	سیستان و بلوچستان

در جدول شماره (۸) به همبستگی تحقق تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش دوره راهنمایی تحصیلی در شهرها و روستاهای استان‌های کشور پرداخته شده است، نتایج حاکی از آن است که در پایه اول دوره، در هیچ استانی به طور همزمان در شهر و روستایش تساوی دیده نمی‌شود، در پایه دوم تنها در استان‌های مازندران، تهران و اصفهان و در پایه سوم تنها در استان تهران و در کل دوره تنها در استان‌های مازندران و اصفهان هم در شهر و روستایش تساوی جنسیتی برقرار بوده است؛ نکته جالب‌تر اینکه در هیچ یک از پایه‌ها و کل دوره عدم تساوی جنسیتی به ضرر پسران در شهرها و روستاهای هیچ استانی دیده نمی‌شود.

جدول شماره (۸): همبستگی تحقق تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش دوره راهنمایی تحصیلی در شهرها و روستاهای استان‌های کشور

عنوان	به ضرر دختران در شهر و روستا	تساوی در شهر و روستا	به ضرر پسران در شهر و روستا
پایه اول	سمنان، بوشهر، تهران، کهگیلویه و بویراحمد، کرمان، چهارمحال و بختیاری، فارس، قزوین، یزد، اصفهان، مرکزی، خراسان رضوی، زنجان، آذربایجان شرقی، کرمانشاه، هرمزگان، خراسان شمالی، گلستان، خوزستان، قم، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان	-	-
پایه دوم	زنجان، خوزستان، هرمزگان، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان	مازندران، تهران، اصفهان	-
پایه سوم	مرکزی، لرستان، آذربایجان شرقی و غربی، خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، سمنان، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان	تهران	-
کل دوره	مرکزی، گلستان، زنجان، قم، آذربایجان شرقی و غربی، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، کرمانشاه، خوزستان، سمنان، سیستان و بلوچستان	مازندران، اصفهان	-

جدول ۹ وضعیت تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش پایه‌های دوره راهنمایی تحصیلی را در مناطق شهری و روستایی استان‌های کشور نشان می‌دهد، نتایج حاکی از آن است که در پایه اول در ۱۹٪ شهرها و ۰٪ روستاها تساوی؛ در ۷۴٪ شهرها و ۱۰۰٪ روستاها عدم تساوی به ضرر دختران و در ۷٪ شهرها و ۰٪ روستاها عدم تساوی به ضرر پسران وجود داشته است، که حاکی از نابرابری جنسیتی به ضرر دختران و به ویژه در روستاهاست که وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف بیشترین سهم را در نابرابری جنسیتی به ضرر دختران داشته است.

در پایه دوم در ۶۹٪ شهرها و ۱۰٪ روستاها تساوی؛ در ۱۷٪ شهرها و ۹۰٪ روستاها عدم تساوی به ضرر دختران و در ۰٪ شهرها و ۰٪ روستاها عدم تساوی به ضرر پسران وجود داشته است، که حاکی از نابرابری جنسیتی به ضرر دختران و به ویژه در روستاهاست که وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف بیشترین سهم را در نابرابری جنسیتی به ضرر دختران داشته است.

در پایه سوم در ۶۳٪ شهرها و ۳٪ روستاها تساوی؛ در ۳۰٪ شهرها و ۹۰٪ روستاها عدم تساوی به ضرر دختران و در ۷٪ شهرها و ۷٪ روستاها عدم تساوی به ضرر پسران وجود داشته است، که حاکی از نابرابری جنسیتی به ضرر دختران و به ویژه در روستاهاست که وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف بیشترین سهم را در نابرابری جنسیتی به ضرر دختران داشته است.

در کل دوره در ۵۸٪ شهرها و ۷٪ روستاها تساوی؛ در ۳۹٪ شهرها و ۹۳٪ روستاها عدم تساوی به ضرر دختران و در ۳٪ شهرها و ۰٪ روستاها عدم تساوی به ضرر پسران وجود داشته است، که حاکی از نابرابری جنسیتی به ضرر دختران و به ویژه در روستاهاست که وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف بیشترین سهم را در نابرابری جنسیتی به ضرر دختران داشته است.

جدول شماره (۹): درصد تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش پایه‌های دوره راهنمایی تحصیلی

به ضرر پسران			تساوی	به ضرر دختران			پایه و منطقه
دور	متوسط	نزدیک		نزدیک	متوسط	دور	
۰	۰	۷	۱۹	۲۹	۴۲	۳	اول شهر
۰	۰	۰	۰	۷	۶۱	۳۲	اول روستا
۰	۰	۰	۳	۷	۸۳	۷	کل اول
۰	۷	۷	۶۹	۱۰	۷	۰	دوم شهر
۰	۰	۰	۱۰	۳	۵۵	۳۲	دوم روستا
۰	۰	۰	۲۳	۲۹	۴۸	۰	کل دوم
۰	۰	۷	۶۳	۱۴	۱۶	۰	سوم شهر
۰	۰	۷	۳	۰	۵۵	۳۵	سوم روستا
۰	۰	۳	۱۹	۱۴	۶۱	۳	کل سوم
۰	۳	۰	۵۸	۲۳	۱۶	۰	کل شهر
۰	۰	۰	۷	۳	۵۸	۳۲	کل روستا
۰	۰	۰	۱۶	۱۳	۶۸	۳	کل دوره

۷) بحث و نتیجه‌گیری

علی‌رغم وجود قوانینی از جمله اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر رایگان بودن آموزش تا پایان دوره متوسطه تحصیلی برای همه ملت تأکید دارد و هم چنین ماده "۵۲" قانون برنامه چهارم توسعه کشور که مبتنی بر دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی به ویژه برای دختران است و بند "الف" همین ماده که دولت را به توسعه زمینه‌های لازم برای اجرای برنامه آموزش برای

همه مکلف نموده، بند «ب» ماده مذکور که دوره راهنمایی را اجباری نموده، بند «م» ماده فوق که بر متناسب نمودن فضاهای آموزشی به ویژه مدارس دخترانه اشاره کرده و بند «س» همان ماده که رفع محرومیت‌های آموزشی را از طریق تنوع بخشی در ارائه آموزش هدف قرار داده است (رک. سند برنامه چهارم توسعه کشور، ۱۳۸۴)، هم چنان دختران دسترسی کمتری به نسبت پسران به آموزش دوره راهنمایی تحصیلی دارند، در کل دوره راهنمایی تحصیلی استان‌های کشور شاهد ۱۶٪ تساوی می‌باشیم که سهم شهرها برابر با ۵۸٪ و روستاها برابر با ۷٪ (مازندران و اصفهان) بوده است. سهم نابرابری دختران در کل دوره برابر با ۸۴٪ است که در شهرها ۳۹٪ و در روستاها ۹۳٪ عدم تساوی به ضرر دختران دیده می‌شود. در این دوره تنها در شهرهای استان اردبیل عدم تساوی به ضرر پسران وجود دارد. بیشترین تساوی در پایه‌های دوم و سوم شهر به ترتیب با ۶۹٪ و ۶۳٪ اتفاق افتاده است و کمترین تساوی در کل پایه اول و پایه سوم روستا به میزان ۳٪ بوده است. بیشترین عدم تساوی به ضرر پسران در وضعیت نزدیک در پایه‌های اول، دوم و سوم شهر و سوم روستا به میزان ۷٪ و در وضعیت متوسط در پایه دوم شهر به میزان ۷٪ بوده و در هیچ یک از پایه‌ها و مناطق شهری و روستایی نابرابری پسران در وضعیت دور از تحقق هدف نمی‌باشد. بیشترین عدم تساوی به ضرر دختران در وضعیت نزدیک در پایه اول شهر و دوم کل با ۲۹٪ و در وضعیت متوسط اول کل (۸۳٪) و اول روستا و سوم کل (۶۱٪) و در وضعیت دور از تحقق تساوی در اول شهر و دوم کل به میزان ۲۹٪ مشاهده می‌شود.

۱-۷) مهم ترین عوامل مؤثر بر دسترسی کمتر دختران به آموزش در ایران

۱-۱-۷) عوامل آموزشی

یکی از عوامل مؤثر در دسترسی کمتر دختران به نظام آموزشی دوره راهنمایی تحصیلی وضعیت آموزشی آنها در مقاطع تحصیلی پایین تر (ابتدایی) است، شواهد حاکی از آن است که اگرچه تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش در دوره ابتدایی محقق گردیده است اما هم چنان دختران نرخ ثبت نام ناخالص پایین تری به نسبت پسران به آموزش دارند (در سال تحصیلی ۱۳۷۵ این نرخ ۱۰۹٪ برای پسران و ۱۰۱٪ برای دختران بوده و در سال تحصیلی ۱۳۸۵ به ترتیب به ۱۰۹٪ و ۱۰۳٪ رسیده است) (رک. آتشک و همکاران، چاپ نشده).

نوع مدرسه و تسهیلات و تجهیزات آن برای دو جنس به تساوی ایجاد نشده است به گونه‌ای که تعداد آموزشگاه‌ها در دوره راهنمایی تحصیلی در سال ۱۳۸۵ در مناطق روستایی برای پسران ۶۳۹۴ و برای دختران ۶۰۴۷ و در شهرها برای پسران ۷۶۰۶ و برای دختران ۶۹۳۹ است، نکته دیگر در این خصوص تعداد ۴۹۲۲ آموزشگاه مختلط این دوره است که تعداد ۴۸۲۳ از آنها در روستاها قرار دارد، این امر در تعداد مدارس نیز قابل مشاهده است به گونه‌ای که در دوره راهنمایی در روستاها تعداد ۲۸۶۴۲ کلاس پسرانه و ۲۴۴۴۸ کلاس دخترانه و در شهرها تعداد ۵۳۶۴۲ کلاس پسرانه و ۵۰۲۹۰ کلاس دخترانه وجود داشته و از مجموع ۱۱۲۴۱ کلاس مختلط، تعداد ۱۱۰۲۷ کلاس مختلط در روستاها قرار دارد (رک. وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۵) لازم به ذکر است مختلط بودن آموزشگاه‌ها یکی از مهم ترین موانع در ترغیب والدین برای فرستادن دختران به مدرسه است.

مسأله ساعات آموزشی نامناسب از عواملی است که به خصوص در روستاها

بررسی تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش

باعث دسترسی کم دختران به آموزش می‌شود، چرا که ساعت شروع به کار مدارس مترادف با ساعت کار در مزارع و به چرایردن حیوانات است، از همین رو است که تجربه کشورهای دیگر در خصوص منعطف ساختن ساعات کاری مدارس، نرخ‌های ثبت نام مدارس را افزایش داده است (cf. Qadir, 1986)، در ایران نیز با توجه به پیش‌نویس سند برنامه درسی ملی که در آن بر منعطف ساختن ساعات سال تحصیلی تأکید گردیده، می‌توان امیدوار به بهبود وضعیت آموزشی دختران بود. تعداد کارمند آموزشی نیز میان مدارس دخترانه و پسرانه نیز نابرابر است، به گونه‌ای که در دوره راهنمایی در سال ۱۳۸۵ در روستاها تعداد ۲۴۸۲۱ کارمند آموزشی زن و ۴۱۵۶۳ کارمند آموزشی مرد وجود داشته است (رک. وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۵).

۲ - ۱ - ۷ عوامل خانوادگی

بعد خانواده به ویژه از طریق مکانیسم‌گزینش فرزندان برای آموزش، بر میزان دسترسی دختران به آموزش اثر می‌گذارد، نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ حاکی از آن است که در روستاها شاهد اعضای خانوار بیشتری به نسبت شهرها هستیم، هم چنین در استان‌هایی که عدم تساوی جنسیتی حکمفرماست، متوسط بعد خانوار نیز بالاست، به گونه‌ای که استان‌هایی همچون سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان بعد خانوار قریب به ۵ نفر است (رک. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). در خانواده‌های شهری به دلیل اندازه کوچکتر خانواده، امکان کسب مشاغل با درآمد بالا و هزینه فرصت از دست رفته کمتر برای کار کودکان (به ویژه برای دختران)، دختران امکان بیشتری برای دسترسی به آموزش دارند، اما در خانواده‌های روستایی به دلیل درآمد پایین خانواده، اندازه بزرگ خانواده و نیز نیاز به کار کودک (به خصوص برای کار دختران) برای مراقبت از کودکان و سالمندان

و یاری رساندن به مادر برای انجام فعالیت‌های خانواده، امکان دسترسی آنان به نسبت پسران و هم‌نوعان خود در شهر کمتر فراهم می‌باشد.

۳- ۱- ۷) عوامل اقتصادی

نیاز به نیروی کار دختران به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر دسترسی کمتر آنها به آموزش به ویژه در روستاها بیان شده است، اگرچه بر اساس ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک، افراد زیر ۱۸ سال حق کارکردن ندارند، اما سن قانونی کار در ایران ۱۵ سال می‌باشد، و به همین دلیل برخی از کودکان خارج از نظام آموزشی به سر می‌برند، بر اساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۸۵ حدود یک میلیون و پانصد هزار نفر کودک (۱۰ تا ۱۹ ساله) شاغل بوده‌اند که حدود صد و هشتاد و پنج هزار نفر از آنها در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال و در حدود یک میلیون و دویست و هفتاد هزار نفرشان در سنین ۱۵ تا ۱۹ سال قرار داشته‌اند.

بازار کار نیروی انسانی متخصص در ایران، هم در بعد عرضه و هم تقاضا دچار عدم تعادل شدید جنسیتی است، با وجود تغییراتی که در سال‌های اخیر در عرضه نیروی انسانی متخصص از طریق دسترسی کمی دختران به آموزش عالی به وجود آمده است، اما در همین دسترسی کمی و نه کیفی نیز دختران در ابعاد مهمی مانند دسترسی به برخی گروه‌ها و دوره‌های تحصیلات تکمیلی و میزان دانش‌آموختگان در سطحی نابرابر با پسران هستند، همچنین از حیث تقاضای نیروی انسانی متخصص زن در بازار، موانع و مشکلات بسیاری از لحاظ نرخ فعالیت و مشارکت، نسبت اشتغال، نرخ بیکاری، تنوع افقی و سطوح عمودی اشتغال آنها وجود دارد (رک. فراستخواه، ۱۳۸۳).

بررسی تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش

۴ - ۱ - ۷) عوامل اجتماعی

همان‌طور که ذکر شد محل سکونت از عوامل مهم در دسترسی به آموزش است، در سال ۱۳۸۵ در کشور ۱/۵٪ از روستاییان در چادر، کپر و آلونک و زاغه سکونت داشته و بخش دیگری نیز جمعیت غیر ساکن بوده‌اند که این امر بر دسترسی کم این گروه از جمعیت واجب‌التعلیم بر آموزش اثرگذار است (رک. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). توسعه نیافتگی منطقه، بر انتخاب مناطق روستایی توسط عوامل آموزشی با کیفیت، به عنوان محل خدمت اثر می‌گذارد که این امر خود بر نسبت دانش‌آموز به معلم و هم چنین نسبت دانش‌آموز به سایر عوامل آموزشی اثر می‌گذارد که این امر کیفیت آموزش را دچار خدشه می‌نماید که در نهایت توان نظام آموزشی برای جذب و نگهداری دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد.

یکی دیگر از دلایل دسترسی کم دختران به نظام آموزشی دوره راهنمایی مسأله ازدواج در سنین پایین است، در سال ۱۳۸۵ در استان‌های آذربایجان شرقی، زنجان، همدان، خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان، اردبیل، خراسان شمالی و ایلام بیش از ۲٪ دختران ۱۴ - ۱۰ ساله حداقل یکبار ازدواج نموده‌اند که بیش از ۹۸٪ آنها نیز دارای فرزند هستند که ازدواج زودرس و بارداری زود هنگام آنها را از فضای مدرسه خارج نموده است (رک. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

۲ - ۷) پیشنهادات

با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهادهایی در دو بخش کاربردی و پژوهشی ارائه می‌شود:

۱ - ۲ - ۷) پیشنهادهای کاربردی

- ارتقاء نرخ ثبت‌نام ناخالص و خالص هر دو جنس و به ویژه دختران در

همه پایه‌های دوره راهنمایی از طریق رفع موانع آموزشی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی مؤثر.

- توجه ویژه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی، به تحقق و حفظ تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش پایه‌های دوره راهنمایی تحصیلی.

- اهتمام ویژه به رفع محرومیت‌های آموزشی دختران در مناطق نابخوردار (استان‌های کمتر توسعه یافته و روستاها) با توجه به عدم تساوی جنسیتی البته بیشتر به ضرر دختران در دسترسی به آموزش در این مناطق.

۲-۲-۷) پیشنهادهای پژوهشی

- بررسی وضعیت شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش در سایر مقاطع تحصیلی به منظور پی بردن به میزان نابرابری در مقاطع تحصیلی مختلف.
- بررسی شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش به تفکیک استان‌ها و مناطق مختلف کشور در سایر مقاطع تحصیلی، به منظور پی بردن به میزان و جهت نابرابری‌های منطقه‌ای.
- بررسی شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش نظام آموزش عالی.
- بررسی عوامل مالی، انسانی و کالبدی مؤثر بر شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش.
- انجام تحقیقی درخصوص میزان تساوی جنسیتی در عملکرد فراگیران.
- انجام پژوهشی درخصوص سیاست‌ها، اقدامات و فرآیندهای آموزشی جنسیت‌محور و اثرات آنها بر دسترسی دختران و پسران به آموزش.
- انجام تحقیقی فراتحلیلی، از تعیین‌کننده‌های تساوی جنسیتی در دسترسی و عملکرد آموزشی.

فهرست منابع

- آبیلی، فاطمه (۱۳۸۳)، «آسیب شناسی مسایل فرهنگی زنان در کشور»، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان سیستان و بلوچستان.
- آتشک، محمد و همکاران (چاپ نشده)، «تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش مدرسه‌ای (دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه کشور) (۹۵-۱۳۵۵)»، *تحقیقات زنان*.
- آتشک، محمد (۱۳۸۵b)، «۷۰ سال مبارزه با بیسوادی»، *هفته نامه برنامه*، سال پنجم، ش ۱۹۰.
- آتشک، محمد (۱۳۸۶d)، «بررسی کارایی داخلی نظام آموزش عمومی استان‌های کشور و عوامل مؤثر بر آن در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
- اسماعیل سرخ، جعفر (۱۳۸۰)، «کردستان و مسأله نابرابری‌های آموزشی»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی*، سال اول، ش ۱، بهار ۱۳۸۰.
- اسماعیل سرخ، جعفر (۱۳۸۶)، «نابرابری‌های آموزشی و نابرابری‌های فضایی در بعد قومی و منطقه‌ای (مطالعه موردی دوره ابتدایی استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰)»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، سال بیست و سوم، ش ۳.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۱)، «توسعه اقتصادی در جهان سوم»، (غلامعلی فرجادی پور)، تهران: سازمان برنامه و بودجه (سابق)، چاپ دوم.
- حسین زاده، فتح‌الله (۱۳۷۲)، «بررسی نابرابری‌های دستیابی به فرصت‌های آموزشی بین مناطق استان بوشهر در سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱»، اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر.
- خداابخش، افراسیاب (۱۳۷۱)، «مقایسه میزان نابرابری آموزشی بین مناطق آموزشی استان گیلان در دوره متوسطه سال‌های تحصیلی ۶۷-۱۳۶۶ و ۷۱-۱۳۷۰»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
- دش‌خانه، فاطمه (۱۳۸۰)، «بررسی عوامل مؤثر در نابرابری‌های آموزشی در دوره آموزش عمومی به منظور ارائه مدلی نظری برای آموزش دختران»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، سال هفدهم، ش ۴.
- «سند برنامه اول توسعه کشور»، (۱۳۶۷)، سازمان برنامه و بودجه (سابق).

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

- «سند برنامه دوم توسعه کشور»، (۱۳۷۳)، سازمان برنامه و بودجه (سابق).
- «سند برنامه سوم توسعه کشور»، (۱۳۷۸)، سازمان برنامه و بودجه (سابق).
- «سند برنامه چهارم توسعه کشور»، (۱۳۸۴)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (سابق).
- «عزیززاده، هادی (۱۳۶۵)، «بررسی نابرابری دستیابی به فرصت‌های آموزشی بین استان‌های کشور در سال تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال چهارم، ش ۳ و ۴.
- «فراستخواه، مقصود (۱۳۸۳)، «زنان، آموزش عالی و بازار کار»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۲، ش ۱، صفحات ۱۶۳-۱۴۷.
- «کلیدری، محمد حسین (۱۳۷۴)، «بررسی میزان نابرابری فرصت‌های آموزشی در استان خراسان طی برنامه اول توسعه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
- «کینگ، الیزابت. م. (۱۳۷۶)، «نقش آموزش زنان در توسعه اقتصادی»، (غلامرضا آزادارمکی)، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- «گرائی نژاد، غلامرضا (۱۳۸۲)، «دومین گزارش توسعه انسانی کشور - بخش آموزش - مقدماتی»، گروه چهار، چاپ نشده.
- «گروه مشاوران یونسکو (۱۳۸۶)، «فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی»، (فریده مشایخ)، تهران: نشر مدرسه.
- «مرادی، مسعود (۱۳۸۳)، «بررسی برابری فرصت‌های آموزشی در دوره متوسطه و عوامل مرتبط با آن در مناطق آموزشی استان زنجان»، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان زنجان.
- «مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، «نتایج سرشماری نفوس و مسکن کل کشور».
- «نادری نرم، عباس (۱۳۷۶)، «بررسی نابرابری‌های آموزشی در ۳ مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در سال‌های تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵ و ۷۶-۱۳۷۵ استان خراسان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران.
- «نبی زاده سرابندی، سیما (۱۳۸۴)، «بی‌عدالتی در فرصت‌های آموزشی استان سیستان و بلوچستان»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره سوم، ش ۳، پاییز ۱۳۸۴.

- «نوروزی، لادن (۱۳۸۳)، «تفاوت‌های جنسیتی در ساختار شغلی»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۲، ش ۱، صص ۱۷۸ - ۱۶۵.
- «واحدی، محمد توفیق (۱۳۷۷)، «بررسی عوامل مؤثر در دستیابی دختران به فرصت‌های آموزشی در دوره راهنمایی تحصیلی مناطق آموزش و پرورش استان زنجان»، دفتر تحقیقات آموزش و پرورش استان زنجان.
- «وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۳)، «سند ملی برنامه آموزش برای همه».
- «وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۵)، «آمار آموزش و پرورش سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵».
- Ahmed, k, hasan,y(1984), “*case study on enrolment & attendance of primary school - aged children by socioeconomic grouping for the UPE/IDA schools*”, university of Dhaka, foundation for research on educational planning & development.
- Allman,j(1979), “*social mobility, education & development in Tunisia*”, leiden, the Netherl&s: e.j.brill.
- Allman,j(1987), “*women status & fertility in the Muslim world*”, New York:praeger.
- Birdsall,n(1985), “public inputs & child schooling in brazil”, *journal of development economics*,18:67 86 -.
- Brock, C & Cammish, N (1997), Factors affecting female participation in education in seven developing countries, *Education, Research Paper*, No. 09, 1993, 96 p. Universities of Oxford & Hull.
- King,e, & others(1986), “*change in the status of women across generation in Asia*”, Santa Monica, calif, r& corporation.
- Nekatibeb, T (2002), *Low Participation of Female Students in Primary education(A Case Study of Dropouts from the Amhara & Oromia Regional States in Ethiopia)*,UNESCO.

- Qadir,s(1986), “*school enrolment drives & enrolment of children in class*”, Dhaka, Bangladesh institute of development studies, human resource division.
- Subrahmanian, R (2003), *Gender equality in education*, Background paper prepared for the Education for All Global Monitoring Report 2003/4, Gender & Education for All: The Leap to Equality, UNESCO.
- UIS (2006), “*Gender Parity in Education*”, UNESCO, Paris.
- UNICEF, (2005), *EARLY MARRIAGE A HARMFUL TRADITIONAL PRACTICE A STATISTICAL EXPLORATION*.
- USAID (2008), *GENDER EQUALITY FRAMEWORK*, This report was developed for USAID’s Office of Women in Development by the EQUATE Project, Management Systems International (Prime Contractor).